

دانشگاه امام صادق(ع) | تعیین کننده ترین عامل در مقدرات بشر - ۳

## پناهیان: عالی ترین عامل جوشش محبت خدا، خوف از «مقام» خداست نه «خوف» از عذاب خدا/ بدون اجازه «اصلی ترین عامل تعیین کننده مقدرات»، هیچ عامل دیگری بر مقدرات اثر نخواهند داشت/ تعیین کننده ترین عامل در مقدرات ما «آزمایش های الهی» است

پناهیان: درست است که برخی از کارها مثل صلۀ رحم یا ذکر گفتن و... می تواند برخی مشکلات ما را برطرف کند و روزی ما را زیاد کند، اما یک شرط دارد و آن هم همراهی «تعیین کننده ترین عامل مؤثر بر مقدرات» است، اگر این عامل اجازه ندهد، هیچ یک از عوامل مؤثر بر مقدرات نمی تواند مؤثر واقع شود. حتی عواملی مانند محبت خدا و محبت اولیاء خدا به ما و دعای اولیاء خدا برای ما که خیلی بر مقدرات ما تأثیر گذار هستند، اگر این عامل تعیین کننده اجازه ندهد، در مقدرات ما مؤثر نخواهند بود. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «اگر جبرائیل، میکائیل و فرشتگان حامل عرش و خود من برای اینکه چه همسری نصیب شود دعا کنیم، جز آن همسری که خدا برایت در نظر گرفته، نصیب نخواهد شد.»

حجت الاسلام علی رضا پناهیان به مدت ده شب در دانشگاه امام صادق(ع) با موضوع: «**تعیین کننده ترین عامل در مقدرات بشر**» سخنرانی می کند. این سخنرانی هر روز ساعت «شش و ده دقیقه» صبح از شبکه دوم سیما پخش می شود. بخش هایی از **سومین جلسه** این سخنرانی را در ادامه می خوانید:

### توجه به مقدرات الهی غم و اندوه انسان را کم می کند و حسرت ها و حسادت ها را از بین می برد

- در مرحله اول باید باور کنیم که مقدرات الهی بر زندگی فردی و اجتماعی حاکم هستند و این تدبیر الهی است که حرف اول و آخر را درباره زندگی ما می زند، هر چند می شود بر این تدبیر الهی تأثیر گذاشت. مثلاً این مقدرات الهی هستند که زمان مرگ، میزان روزی و مقدار و نوع گرفتاری های ما را مشخص می کنند.
- در مرحله بعدی باید به این مسأله توجه کنیم که این مقدراتی که بر ما حاکم هستند، به چه دلیلی و با چه ملاک و معیاری از سوی خدا برای ما طراحی می شوند؟ به بیان دیگر مهمترین عامل یا ملاک در تعیین مقدرات ما چیست؟ این ملاک و معیار خیلی اهمیت دارد چون حتی بر آن بخشی که خودمان اجازه داریم بر مقدرات خود تأثیر بگذاریم نیز حاکم است.
- در این جلسه می خواهیم به پاسخ این پرسش پردازیم، اما ابتدا خوب است کمی به آثار معنوی توجه به مقدرات پردازیم. اگر کسی واقعاً مقدرات را به علم و ایمان باور کند، چه اثری در وجودش ایجاد خواهد شد؟ برخی از «آثار فرعی» از این قرار هستند: - توجه به مقدرات الهی غم و اندوه انسان را کم می کند. - انسان را از نظر دورنی آرام می کند؛ هم نسبت به گرفتاری های خودش و هم نسبت به مناسبات اجتماعی و روابط با دیگران. - توجه به مقدرات الهی نمی گذارد انسان در موفقیت ها زیادی شاد بشود؛ یعنی هیجانانگیز و شادی های کاذب را کم می کند یا از بین می برد. - توجه به مقدرات کینه توزی ها، نگرانی های نابجا، حسرت ها و حسادت ها را از بین می برد.
- باور کردن مقدرات می تواند حسادت انسان را از بین ببرد، اما این یکی از آثار نجات بخش اما «فرعی» توجه به مقدرات است. با وجود اینکه می دانیم از بین رفتن حسادت در قلب انسان خیلی ارزشمند است، اما باور مقدرات، اثرات مهمتری هم دارد.

- در اهمیت حسادت، همین کافی است که همان حسادتی که ابلیس را بدبخت کرد، در قایل هم بود، و در دشمنان و مخالفان انبیاء الهی از نوح تا رسول اکرم(ص) هم بود. ابوجهل می گفت: چرا نبوت باید در قبیله بنی قصی باشد و در قبیله دیگران نباشد (فقال له ابوجهل: ویحک! والله ان محمدا لصادق و ما کذب محمد قط؛ و لکن اذا ذهب بنو قصی بالواء و الحجابة و السقایة و الندوة و النبوة، ما ذا یکون لسائر قریش!؛ امالی مرتضی، ج ۲، ص ۲۶۵) و بعد از پیامبر(ص) در دشمنان امیرالمؤمنین(ع) هم این حسادت وجود داشت به حدی که خداوند در قرآن کریم یکی از ریشه های مهم ولایتگری را «حسادت» بیان فرموده است. (أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْکًا عَظِیمًا؛ نساء/۵۴)
- اگر از بین بردن ریشه حسادت در انسان - که این همه اهمیت دارد- جزء آثار و فواید فرعی توجه به مقدرات قرار گیرد، معلوم خواهد شد که توجه به مقدرات چقدر می تواند در زندگی انسان مهم و تأثیر گذار باشد!

### «حساب بردن از مقام خدا» مهمترین اثر توجه به مقدرات الهی است/ اگر ببینید زندگی ات دست یک کسی است، آیا از او حساب نمی بری؟!

- اما مهمترین اثر توجه به مقدرات این است که اگر مقدرات را باور کنی، «از خدا حساب می بری»؛ یعنی منهای بحث عذاب و عقاب و ثواب، از خدا حساب می بری. اگر انسان ببیند زندگی اش دست یک کسی است، آیا از او حساب نمی برد؟!
- ترسیدن از مقام ربوبی و آن قدرتی که اختیارات انسان تحت کنترل اوست و مقدرات او را تنظیم می کند، دو راه دارد: یکی اینکه از عذاب او بترسی و دیگر اینکه به قدرتش نگاه کنی. توجه به مقدرات، توجه تو را به قدرت خدا جلب می کند و تو را به خالص ترین نوع ایمان و رابطه با خدا و زیباترین ترس دعوت می کند؛ نه ترس از دوزخ و بلا، بلکه هیبت مقام ربوبی تو را می گیرد.
- خداوند می فرماید: «من کسانی را ساکن این زمین خواهم کرد که از مقام من بترسند و از وعید من بترسند؛ وَ لَنْسَکِنَنَّکُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَکَ لِیَمَنْ خَافَ مَقَامَی وَ خَافَ وَعَیدِ» (ابراهیم/۱۴) اینکه خداوند برای «مقام» و «وعید» جداگانه از واژه «خاف» استفاده فرموده، برای این است که ما متوجه باشیم ترس از عذاب الهی با ترس از مقام الهی تفاوت دارد. خداوند در جای دیگری می فرماید: کسی که از من - جدای از عذاب قیامت - حساب می برد و از «مقام من» می ترسد برایش دو بهشت در نظر گرفته ام. «وَلِیَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (رحمن/۴۶) برای «جنتان» تفاسیر مختلفی شده است. یکی از بهترین تفسیرهایش - که علامه طباطبایی بیان فرموده - این است که علاوه بر «بهشت استحقاقی» یک چیزی هم خدا به او می دهد.
- خداوند در جای دیگری می فرماید: بعضی ها از مقام پروردگار می ترسند و اثرش این است که خودشان را از هوای نفس بازمی دارند. «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ فِإِنَّ الْجَنَّةَ هِیَ الْمَأْوَىٰ» (نازعات/۴۱) نه اینکه به خاطر ترس از عذاب الهی خودمان را از هوای نفس بازداریم. **اینکه خدای مقتدر و توانا را بالای سر خودمان ببینیم، بهترین راه برای بهشت رفتن است، باید قدرت و تسلط خدا را بر زندگی خودمان نگاه کنیم. اصلاً این جزء آداب و سبک زندگی ماست که هرکاری خواستیم فردا انجام بدهیم حتماً آن شاء الله بگوییم (و لَا تَقُولَنَّ لِشَآئِءٍ إِنِّی فَاعِلٌ ذَٰلِکَ عَدَاۗءُ ۗ إِلَّا أَنْ یَشَآءَ اللَّهُ؛ کهف/۲۳ و ۲۴)**

### عالی‌ترین عامل جوشش محبت خدا، خوف از «مقام» خداست نه «خوف» از عذاب خدا

- خوب است در این واقعیت غرق شویم که: «خدا چقدر اختیار ما را در دستش دارد» و قبل از اینکه خداوند طوری از اختیاراتش استفاده کند که بفهمیم چقدر اختیارات دارد، از مقام و قدرت خدا حساب ببریم. ما هر لحظه در چنگ قدرت خدا اسیر هستیم و خدا هر لحظه دارد از قدرتش در تعیین مقدرات ما استفاده می‌کند؛ آیا لازم است خدا از قدرت خودش با شدت بر علیه ما استفاده کند تا باورمان شود؟!
- اگر قدرت و اختیار گسترده خدا در تعیین لحظه‌ای مقدرات خود را ببینیم واقعاً یک حال خوش معنوی به ما دست می‌دهد، چون این خوف پاکیزه‌ای که در اثر توجه به قدرت خدا در تعیین مقدرات ما در وجودمان شکل می‌گیرد زمینه عشق به پروردگار خواهد شد و رابطه ما را با خدا کاملاً متحول خواهد کرد. واقعاً چه چیزی محبت خدا را در قلب ما ایجاد می‌کند؟ عالی‌ترین واسطه شکل‌گیری محبت چیست؟ عالی‌ترین واسطه محبت، خوف است آنهم نه خوف از عذاب بلکه خوف از مقام خداوند. مگر «مقام خدا» ترس دارد؟ بله! ترس از اینکه خداوند بالای سر بندگانش ایستاده و بر همه چیز احاطه دارد.

### بدون اجازه «اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده مقدرات»، هیچ عامل دیگری بر مقدرات اثر نخواهند داشت

- نه تنها خداوند بر ما قدرت دارد و مقدرات ما را تعیین می‌کند، بلکه اگر بفهمیم خدا به چه علت و با چه ملاکی مقدرات ما را تعیین می‌کند کارمان سخت‌تر هم می‌شود. یعنی بفهمیم اصلی‌ترین عاملی که خداوند بر اساس آن مقدرات ما را تعیین می‌کند چیست؟ اگر به اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده مقدرات خودمان نگاه کنیم، قدرت و غلبه الهی بر ما، خیلی در نظلمان با عظمت‌تر و هولناک‌تر خواهد شد و خوف ما از خداوند بیشتر خواهد شد. چون می‌فهمیم که زندگی آن‌طور که قبلاً تصور می‌کردیم در دست ما نیست و ما نمی‌توانیم هرطوری که می‌خواهیم زندگی کنیم. بلکه مقدرات الهی کاملاً ما را در بر گرفته و احاطه کرده‌اند.
- ما می‌توانیم بر مقدرات خودمان تأثیر بگذاریم، مثلاً می‌توانیم «دعا» کنیم (کما اینکه امام صادق(ع) می‌فرماید: *إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ يَنْقُضُهُ كَمَا يَنْقُضُ السُّلْكَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا؛ كَافِي/ ۴۶۹/۲*) ولی فقط در صورتی که آن «عامل تعیین‌کننده» اجازه دهد، دعای ما مستجاب خواهد شد و اگر اجازه ندهد دعای ما مستجاب نمی‌شود، حتی اگر بنده خوبی باشیم. همچنین ما می‌توانیم برای تأثیرگذاری بر مقدرات خودمان و برای رفع بلا و بیماری صدقه بدهیم (الصَّدَقَةُ تَرُدُّ الْقَضَاءَ الَّذِي قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا؛ من لایحضره الفقیه/ ۳۶۸/۴ و الصَّدَقَةُ بَالِيْدَةٌ تَقِي مِيْتَةَ السُّوءِ وَ تَدْفَعُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ؛ من لایحضره الفقیه/ ۶۶/۲) ولی یک «عامل تعیین‌کننده» هست که باید اجازه بدهد تا با این صدقه آن بلایی که می‌خواست بر سر ما بیاید برطرف شود، اگر آن عامل اجازه ندهد، بلا برطرف نمی‌شود!
- درست است که برخی از کارها مثل صلۀ رحم یا ذکر گفتن ... می‌تواند برخی مشکلات ما را برطرف کند و روزی ما را زیاد کند، اما یک شرط دارد و آن هم همراهی «تعیین‌کننده‌ترین عامل مؤثر بر مقدرات» است، اگر این عامل اجازه ندهد، هیچ یک از عوامل مؤثر بر مقدرات نمی‌تواند مؤثر واقع شود. حتی عواملی مانند محبت خدا و محبت اولیاء خدا به ما و دعای اولیاء خدا برای ما که خیلی بر مقدرات ما تأثیرگذار هستند، اگر این عامل تعیین‌کننده اجازه ندهد، در مقدرات ما مؤثر نخواهند بود.

### تعیین‌کننده‌ترین عامل در مقدرات ما «آزمایش‌های الهی» است! همان همسری که خدا برایت نوشته

#### نصیبت می‌شود حتی اگر پیامبر(ص) برایت دعا کند

- حالا به پاسخ این سؤال کلیدی بحث خودمان می‌رسیم که: اصلی‌ترین عاملی که موجب می‌شود خداوند مقدرات ما را تعیین کند چیست که سایر عوامل مؤثر بر مقدرات ما فقط با اجازه این عامل می‌توانند مؤثر باشند؟ اصلی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عامل در مقدرات ما، امتحان و ابتلاء و آزمایش‌های الهی است. اصلاً ما آفریده شده‌ایم برای اینکه در این دنیا آزمایش بشویم.
- خدا بنا ندارد به بندگانش سختی و بلا و مصیبت بدهد، مگر اینکه آزمایش و امتحان الهی اقتضا کند به بنده‌ای سختی و بلایی برسد. خدا بنا ندارد در این دنیا به بندگانش رفاه بدهد، مگر اینکه آزمایش اقتضا کند. خدا بنا ندارد به بندگانش فرصت بدهد یا فرصت‌ها را از بندگانش بگیرد، مگر اینکه آزمایش اقتضا کند. این یعنی **تمام لحظه‌های زندگی ما و تمام مقدرات الهی درباره ما، از هر طرف که نگاه کنیم، تحت تأثیر عامل تعیین‌کننده آزمایش و امتحان است. خدا می‌خواهد در این دنیا ما را امتحان کند، و اصلاً ما برای همین آفریده شده‌ایم، پس طبیعی است که همه مقدرات زندگی ما بر این مبنا طراحی بشود.**
- مثلاً دعا می‌کنی و از خدا می‌خواهی: «خدایا! یک همسر خوب نصیبم کن!» خداوند این دعا را در «دستگاه امتحان الهی» قرار می‌دهد ولی این دستگاه جواب مثبت نمی‌دهد و می‌گوید: «اصلاً راه امتحان این بنده از طریق یک همسر بد است نه یک همسر خوب» پس تو هرچقدر هم که بنده خوبی باشی، خدا این دعای تو را مستجاب نمی‌کند، البته خدا به خاطر این دعا به تو ثواب می‌دهد ولی طبق مقدراتش به تو همسر بد می‌دهد. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «اگر حضرت جبرائیل، میکائیل و فرشتگان حامل عرش و خود من برای اینکه چه همسری نصیبت شود دعا کنیم، جز آن همسری که خدا برایت در نظر گرفته، نصیبت نخواهد شد؛ لو دعا لک إسرائیل و جبریل و میکائیل و حَمَلَةُ الْعَرْشِ و أنا فیهم ما تَزَوَّجْتَ إِلَّا الْمَرْأَةَ الَّتِي كُنَيْتَ لَکَ» (میزان الحکمه/ ج/ ۱۶۵۰)
- چرا خدا این‌گونه عمل می‌کند؟ به خاطر تعیین‌کننده‌ترین عامل در تعیین مقدرات؛ یعنی «امتحان گرفتن از ما». همه اینها برای این است که ما باید در زندگی خودمان امتحان پس بدهیم. مثلاً خدا به انسان‌ها روزی می‌دهد و بعضی‌ها را هم فقیر نگه می‌دارد. اگر به کسی روزی فراوان می‌دهد برای امتحان است و اگر به کسی روزی کم می‌دهد باز هم برای امتحان است. (قَدَّرَ الْأَرْزَاقَ فَكَثَّرَهَا وَ قَلَّلَهَا ، وَ قَسَمَهَا عَلَى الضِّيقِ وَ السَّعَةِ فَعَدَلَ فِيهَا لِتَبْتَلِيَ مَنْ أَرَادَ بِمَيْسُورِهَا وَ مَعْسُورِهَا؛ نهج البلاغه/ خطبه ۹۱)

### باید به آزمایشگاه بودن دنیا برای خودمان نگاه کنیم/حتی یک اتفاق در زندگی ما خارج از امتحان الهی رخ

#### نمی‌دهد

- اصلاً اساس زندگی ما در دنیا برای امتحان است ولی متأسفانه بعضی‌ها به این واقعیت توجه نمی‌کنند. اگر اصل امتحان را نادیده بگیریم، تصور خواهیم کرد که موقتاً آمده‌ایم در این دنیا «زندگی» کنیم تا بعداً به طور دائم در جای دیگری ساکن شویم! لذا بعضی‌ها این‌گونه تخیل می‌کنند که چون مثلاً بهشت هنوز آماده سکونت دائمی نشده یا هنوز ساخته نشده ما را فعلاً به این دنیا فرستاده‌اند تا سرگرم باشیم، هرچند امکانات دنیا کمتر از بهشت است! لذا وقتی زندگی به آنها فشار می‌آورد و شرایط برای آنها کمی سخت می‌شود فریاد می‌زنند و اعتراض می‌کنند! اینها اصل هدف خلقت را نفهمیده‌اند، و نمی‌دانند اصلاً ما برای چه اینجا هستیم. خداوند می‌فرماید: «خدا مرگ و زندگی را آفریده است برای اینکه شما را امتحان کند؛ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ» (ملک/ ۲)

• خداوند در قرآن کریم حدود ۶۰ بار از تعابیر مختلفی مانند «فتنه» و «ابتلاء» و «امتحان» استفاده کرده است برای اینکه اهمیت بحث آزمایش و امتحان الهی در زندگی دنیا را به ما نشان دهد. باید به این واقعیت توجه کنیم که «آزمایش، همه زندگی ما را احاطه کرده است» اصلاً ماهیت زندگی دنیایی ما این است که اینجا دوران امتحان است.

• **قبل از اینکه به موقت بودن حیات خودمان در دنیا نگاه کنیم باید به آزمایشگاه بودن دنیا برای خودمان نگاه کنیم و وقتی می‌خواهیم به مقدرات الهی که بر ما حاکم است نگاه کنیم، باید به فلسفه اصلی این مقدرات و تعیین‌کننده‌ترین عامل که «امتحان» است نگاه کنیم.** بقیه عوامل مؤثر در مقدرات همگی دور این عامل اصلی جمع می‌شوند. تکالیف ما نیز در متن امتحانات الهی قرار دارد، نه اینکه در یک فضای کاملاً باز و آزاد مکلف باشیم. ما در یک فضای کاملاً طراحی شده برای امتحان قرار داریم، به حدی که در زندگی ما حتی یک اتفاق خارج از امتحان الهی رخ نمی‌دهد و تمام آحاد انسان‌ها در معرض امتحان هستند. اما یک سؤال مهم باقی می‌ماند و آن اینکه آیا ما می‌توانیم بر جریان امتحان گرفتن از خودمان هم تأثیر بگذاریم؟ پاسخ این است که بله، می‌توانیم اما اسرار و دقایقی دارد که در جلسات بعد به آن خواهیم پرداخت.

#### با توجه به امتحان، انسان احساس می‌کند هر لحظه دارد با پروردگارش زندگی می‌کند

• نگاه به مفهوم امتحان از نظر روحی و روانی به انسان تعادل می‌دهد و به عقل انسان تعالی می‌دهد، از نظر فکری هم نگرش انسان و برنامه‌ریزی انسان برای زندگی فردی و اجتماعی را سامان می‌دهد. منتها اکثر انسان‌ها به بحث امتحان توجه نمی‌کنند و نمی‌دانند فلسفه اتفاقاتی که برایشان رخ می‌دهد چیست یا سوالات امتحانی خداوند در زندگی آنها چیست؟ در حالی که این موضوع فوق‌العاده سرگرم‌کننده است، چون انسان احساس می‌کند هر لحظه دارد با پروردگارش زندگی می‌کند. زیرا خدا هر لحظه دارد ما را امتحان می‌کند. مانند مربی پینگ‌پنگ بسیار ماهر که آن طرف میز ایستاده و می‌خواهد شما را در حد یک بازیکن تیم ملی تربیت کند. وقتی این مربی چند بار توپ را به سمت چپ شما فرستاد، باید بفهمید در آن قسمت ضعف دارید و باید خودتان را تقویت کنید. اگر با این دید، به زندگی نگاه کنید کاملاً سرگرم می‌شوید، و مدام مشغول خدا و امتحانات خودتان خواهید شد. و می‌فهمید هر چیزی که برای شما رخ می‌دهد به مصلحت شماست و ملاک مصلحت شما نیز امتحان است. چون مربی شما در مقدرات، خداوند است و خدا بهتر می‌داند که مصلحت شما در چیست. **امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «خداوند متعال به بندگانش چنین می‌فرماید: مصلحت خودتان را به من یاد ندهید، من مصالح شما را بهتر می‌دانم؛ یا عبادی اعبدونی فیما أمرتکم به- و لا تعلمونی ما یصلحکم، فانی أعلم به، و لا اُخَلُّ علیکم بمصالحکم»** (مجموعه ورام/۲/۱۰۸)

